



مقدمه

تحقق انقلاب عظیم حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان بزرگ ترین تحولی که بشریت در حیات خود خواهد دید، بر پایه هایی استوار است که یکی از مهم ترین آنها، فراهم شدن یاران، همراهان و همزمانی است که تا پای جان برای اجرای اهداف او از پای ننشینند.

بازشناسی این عامل ما را در راه شناخت آن حاکمیت سترگ، کمک خواهد کرد و آن گاه است که در پی شناخت، سر بر جیب تفکر خواهیم برد و خویشتن را با آن شرایط و ویژگی ها، محک خواهیم زد و از خود خواهیم پرسید: آیا ما خود را برای آن روزگار آماده ساخته ایم؟ شاید آن روز، همین فردا باشد. با فهم این ویژگی ها، در خواهیم یافت که پای رفتن این راه را داریم یا نه و آن روز موعود، در مقابله حق با باطل، در کدامین جبهه خواهیم بود. با سیری در بوستان کلام معصومان علیهم السلام، این ویژگی ها به خوبی فرا روی ما قرار خواهد گرفت؛ پس بیاییم وضوی عشق و دل دادگی گرفته، پای افزار تعلقات از جان خویش برگرفته، قدم در این گلستان پرگل نهیم؛ باشد تا در پایان، دسته گلی خوشبو، حاصل این گشت وگذار باشد.

در ره منزل لیلی که خطرهایست در آن

شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

این ویژگی ها را می توان این گونه برشمرد:

1. شناخت پروردگار

خداوند متعال، فلسفه اساسی آفرینش انسان ها را عبادت و بندگی معرفی کرده (1) و این مهم، تنها زمانی حاصل می گردد که شناخت آن ذات مقدس، فراهم آید و پس از شناخت خداوند است که راه هموار شده، موانع برطرف می گردد.

یاران مهدی علیه السلام از کسانی هستند که خداوند را آن گونه که شایسته است، شناخته اند. علی علیه السلام، این شناخت والای خداوند را در ایشان، این گونه توصیف کرده است: «مردانی مؤمن که خدا را چنان که شایسته است، شناخته اند و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخرالزمانند». (2)

امام صادق علیه السلام، ششمین ستاره فروزان سپهر ولایت، قلب های آنان را بسان پولاد دانسته، می فرماید: «آنان مردانی اند که دل هایشان گویا پاره های آهن است؛ هیچ تردیدی نسبت به ذات خداوند، قلب هایشان را نیالاید و (قلب هایشان) از سنگ سخت تر است». (3)

بنابراین، اولین قدم برای قرار گرفتن در صف یاران مهدی علیه السلام، شناخت پروردگار است. اگر این قدم برداشته شد، نوبت قدم بعدی است و آن، شناخت امام است.

2. شناخت امام زمان علیه السلام

اگر چه شناخت امام، در هر زمان، بر پیروان لازم و ضروری است؛ ولی چیزی که شناخت رهبر آخرین را از اهمیتی دو چندان برخوردار می سازد، شرایط ویژه آن است. ولادت پنهان، زیست پنهان و امتحانات سخت و دشوار، بر حساسیت و سختی این معرفت افزوده است؛ به ویژه که پس از شناخت خداوند، اصل شناخت امام، بسیار دشوار و طاقت فرساست و مرغ اندیشه عموم مردم را توان پرواز تا آن قله رفیع نیست. کسی که می خواهد از یاران حضرت مهدی علیه السلام باشد، ناگزیر می بایست قدم دوم را نیز ثابت و استوار بردارد و شناخت آن حضرت را در رأس برنامه های خود قرار دهد؛ به گونه ای که حاصل این معرفت و شناخت، آن باشد که آن حضرت را همواره ناظر و شاهد اعمال و رفتار خود بداند.

یاران مهدی علیه السلام، امام خویش را به بهترین وجه می شناسند و این شناخت آگاهانه، در تمامی وجودشان رسوخ کرده است. بنابراین، یار مهدی علیه السلام شدن، بدون شناخت آن حضرت، امکان پذیر نخواهد بود. در روایات فراوانی چنین آمده است: «هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، مرگش مرگ جاهلیت باشد» (4) و هر کس از دنیا رود، در حالی که آشنا به امام خویش باشد، همانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام در خدمت آن حضرت باشد. (5)

اگر چه حضرت در پس پرده غیبت و پنهان زیستی است، ولی هرگز از چشم معرفت و شناخت انسان ها، پنهان و غایب نیست و آن چه از ما خواسته شده، دیدن آن حضرت با بصیرت و آگاهی است؛ نه با چشم سر؛ آن گونه که

عده ای تمام همتشان ملاقات با آن حضرت است؛ غافل از این که اگر معرفت به آن حضرت نباشد، دیدن ایشان فایده کاملی نخواهد داشت و کم نبودند کسانی که همواره جمال پیامبر صلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام را زیارت می کردند، ولی بهره معرفتی چندانی از آن معصومان علیهم السلام نبردند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر آن کس که امامش را شناخت و قبل از قیام او چهره در خاک کشید، به سان کسی است که در سپاه آن حضرت، خدمت گزاری خواهد کرد؛ نه، بلکه به سان کسی است که زیر پرچم آن حضرت است». (6)

بنابراین، اگر چه شوق دیدار آن حضرت و سعادت دیدنش، از اهمیت بسیاری برخوردار است، ولی از آن مهم تر، شناخت و معرفت امام است که حاصل آن، ارتباط روحی و سنخیت با آن امام همام است. امام صادق علیه السلام با تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجت های الهی فرا خوانده، این گونه توصیه فرموده است: «خدایا! خویشتن را بر من آشنا ساز که اگر تو خود را به من شناسانی، من فرستاده تو را نتوانم شناخت. بار خدایا! رسول خویش را به من بشناسان که اگر تو رسول خود را به من شناسانی، من هرگز از حجت تو آگاه نخواهم شد. پروردگارا! مرا از حجت خویش آگاه ساز که اگر تو حجت خود را به من شناسانی، در دینم دچار گمراهی خواهم گشت». (7)

این دعا، از حضرت مهدی علیه السلام نیز نقل شده که این، نشان از اهمیت آن دارد. (8)

3. اطاعت محض از خداوند و اولیای او

پس از شناخت خداوند و امام زمان علیه السلام، نوبت عملیاتی ساختن اعتقاد و تبلور حقیقی آن، در اطاعت محض از آن انوار پاک است.

همسو کردن رفتارها، نیت ها و جهت گیری ها، طبق خواست رهبر، از مهم ترین ویژگی های رهروان است. اگر کسی در مرحله شناخت، در حد ممکن، معرفت کسب نمود، در مرحله اطاعت نیز دچار تردید نخواهد شد؛ حال آن که اگر کسی در آن مرحله، دچار تردید و نقصان شد، در مرحله اطاعت، هرگز پیرو خوبی نخواهد بود. اطاعت از امام، از جنس اطاعت از خداوند متعال است؛ زیرا وقتی کلام الهی در دشت جان موعمنان طنین انداخت، خداوند اطاعت پیامبر و امامان علیهم السلام را در طول اطاعت از خود ذکر کرده است؛ «اطاعت کنید خداوند را و اطاعت کنید پیامبر را و همچنین اولی الامر از خودتان را». (9)

اگر چه اکنون حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت است، اما اراده و فرمانش را می بایست گردن نهاد؛ زیرا اگر کسی اکنون از دستورات آن حضرت اطاعت کرد، در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در این باره می فرماید: «خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» باریابد و حال آن که پیش از قیام نیز پیرو او باشد؛ با دوست او، دوست و با دشمن او، دشمن و مخالف باشد و با رهبران و پیشوایان هدایت گر پیش از او نیز دوست باشد. آنان، همنشین و دوستان من و گرامی ترین امت من در نزد

4. احترام خالصانه

از آن جایی که امام را حق بزرگ بر گردن پیروان است، خداوند احترام او را بر پیروان لازم کرده است. از این رو، هر آن چه مایه بزرگ داشت او می شود، توسط یاران آن حضرت انجام می گیرد. آنان، این روحیه را در زمان غیبت، در خود ایجاد کرده اند تا در زمان ظهور نیز با این ملکه نفسانی، همواره و در همه امور، احترام آن حضرت را نگه دارند.

ائمه علیهم السلام به عنوان معلمان انسان ها، هرگز از این مهم غفلت نکرده اند و عظمت آخرین معصوم علیه السلام، آنها را به تکریم و احترام واداشته است.

وقتی دعل خزاعی، قصیده ای نزد امام رضا علیه السلام خواند که در فرازهایی از آن به حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده بود، حضرت به احترام ذکر نام مقدس وی، متواضعانه برخاسته، دست بر سر نهاد و برای فرج قائم آل محمد دعا کرد. (11)

به راستی کسی که از احترام اندکی، مثل برپا خاستن، هنگام شنیدن نام آن حضرت، کوتاهی می کند، چگونه می تواند در عصر ظهور، به تکریم آن حضرت پرداخته، از جان خود بگذرد؟

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا به هنگام شنیدن نام «قائم»، لازم است برخیزیم؟ آن حضرت فرمود: «برای آن حضرت، غیبتی طولانی است و این لقب، یادآور دولت برحق آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. از این رو، آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کس که حضرتش را به این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیزی می کند و از تجلیل و تعظیم نسبت آن حضرت است که هر بنده خاضعی، در مقابل صاحب عصر خود، هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد، از جای برخیزد؛ پس باید برخیزد و تعجیل در فرج امر مولایش را از خداوند طلب کند». (12)

علاوه بر حکمت یاد شده، حکمت اجتماعی آن نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد و آن، آمادگی افراد در هر آن، برای قیام، مبارزه و جهاد در راه تحکیم عدالت اجتماعی و حفظ حقوق انسان هاست.

شیعه منتظر - بلکه هر مسلمان - در عصر غیبت، باید همواره دارای چنین هدفی باشد و در راه تحقق آن، به وسایل گوناگون بکوشد و این آمادگی را داشته باشد که هرگاه، نام پیشوای قیام (قائم) ذکر می شود، به پا خیزد و آمادگی همه جانبه خویش را نشان دهد و این آمادگی را همیشه به خود و دیگران تلقین و در خود و دیگران تحکیم کند. (13)

5. انتظار راستین

باور داشتن انتظار راستین که اساس شخصیت یاران مهدی علیه السلام را شکل می دهد، پیشینه ای بس طولانی در تاریخ شیعه دارد. اگر چه این انتظار حیات بخش، در فرهنگ ها و ادیان گذشته نیز مورد توجه و اهتمام بوده است، ولی آن گاه به خود جهت گرفته و مصداق یافته که آخرین فرستاده الهی، بر بام نبوت، بانگ بر آورده و انسان ها را به روزگاری سراسر نور، نوید داده است؛ دنیا به پایان نرسد؛ مگر این که امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود».

اکنون قرن ها از آن بانگ ملکوتی می گذرد؛ ولی همچنان طنین دل نشین و امیدبخش آن ندای ملکوتی، در گوش انسان هاست و این بشارت بزرگ، زندگی مردمان را در عصر پایدار و بلند انتظار، با تاریخی روشن از نمودها و جلوه های فکری و عملی، روز به روز، به آن دروازه روشنایی، نزدیک تر می سازد.

آن چه در این ره یافت، از ارزشی بس بلند برخوردار است، زمینه سازی برای ایجاد آن حکومت موعود است؛ اگر چه زمان برپایی آن، از اسرار الهی و تنها در اراده خداوند است.

انتظار به معنی چشم به راه بودن و درنگ کردن، به امید پیشامدی خاص و به بیان دیگر، کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی برای چیزی است که انتظار دارند و ضد آن، یأس و ناامیدی است.

این اندیشه، در فرهنگ مهدویت، بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی، نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها، فوق العاده تاریک و ظلمانی است.

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی - انسانی، در روایات اسلامی، «انتظار فرج» خوانده شده و عبادت - بلکه برترین عبادات - شمرده شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، بر انتظار آن روز موعود و لحظه شماری در فرارسیدن حکومت حق که تنها به دست آن حضرت تشکیل می گردد، تأکید فراوانی کرده، آن را از اصول اساسی دین داری شمرده اند و پاداش های بزرگی برای منتظران آن بیان کرده اند. از همین رو، عالمان بزرگ، انتظار را یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت و عنصری اساسی در زمینه سازی و حفظ روحیه مناسب، برای درک زمان ظهور، ذکر کرده اند و همواره مؤمنان را به رعایت این وظیفه خطیر با گفتار و کردار، ترغیب می کردند.

درباره انتظار فرج و ارج و اهمیت آن، احادیث فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السلام، روایت شده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «**برترین کارهای امت من، انتظار فرج، از خدای عزوجل است**».

(14)

بنابراین، انتظار از نوع عمل و کار است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس که بخواهد از یاران قائم علیه السلام شود، باید که منتظر باشد و با خوی های پسندیده عمل نماید و با چنین حالی، منتظر باشد و هرگاه بمیرد و پس از مردنش، قائم علیه السلام به پا خیزد، پاداش او همچون کسی خواهد بود که در دوران حکومت، آن حضرت را درک کرده باشد».

(15)

در احادیث فراوانی آمده است که انتظار فرج و چشم داشتن به ظهور، باید با مواظبت بر وظایف شرعی و فضایل اخلاقی همراه باشد و آمادگی برای درک ظهور حضرت مهدی علیه السلام، در مفهوم انتظار نهفته است و این،

کاملاً با برداشت ناصحیح از انتظار که ثمره اش رخوت و سستی جامعه است، متضاد خواهد بود.

6. آمادگی برای خدمت به مهدی علیه السلام

آنان که وجودشان سرشار از عشق خداوند و اولیای اوست، اگر عصر ظهور را درک کنند، بزرگ ترین افتخارشان خدمت به مهدی آل محمد علیه السلام خواهد بود.

شاید باور کردن این سخن مشکل باشد که رئیس مذهب شیعه که هزاران دانشمند، زانوی ادب و دانشجویی در محضر کلامش بر زمین می نهادند و شاگردان ادبستانش، عقابان تیزپرواز آسمان اندیشه و علم بودند، آن گاه که نام آخرین ذخیره الهی نزدش برده می شود، با حسرتی برآمده از عمق جان و آرزویی بی مانند، آهی از نهاد برآورده، می فرمود: «اگر او را درک کنم، در تمام روزهای زندگانی ام، خدمت گزار او خواهم بود». (16)

هر کس که بخواهد در آن روزگار، خدمت به آن حضرت نصیبش گردد، می بایست در دوران غیبت، خدمت به آن حضرت و یاران او را سرلوحه کارهای خود قرار دهد.

بی تردید، خادمان دوران ظهور، همان خادمان دوران غیبتند و خشنود کردن آن حضرت، با هر رفتاری که انجام شود، بزرگ ترین خدمت به اوست؛ همان گونه که نگران ساختن و اذیت و آزار وی، با رفتاری ناشایست، خیانتی بس عظیم است.

پس یک منتظر راستین و علاقه مند به حضرت مهدی علیه السلام، می بایست تمامی لحظه های زندگی اش را در خدمت به او سپری نماید.

7. خودسازی و دیگرسازی

شکی نیست که دین داری در عصر غیبت حضرت مهدی علیه السلام، از هر زمان دیگری، مشکل تر و طاقت فرساتر است. امام صادق علیه السلام از آن سوی قرن ها، سختی این دوران را این گونه تصویر نموده است: «صاحب این امر را غیبتی است که در آن، هر کس از دین خود دست بر ندارد، همانند کسی است که با کشیدن دست خود به ساقه فتاد (که بوته ای تیغ دار است)، خارهای آن را بسترده». سپس آن حضرت، مدتی سر به زیر افکنده، فرمود: «صاحب این امر، دارای غیبتی است؛ پس بنده خدا باید پرهیزگاری و تقوا پیشه کند و به دین خود پایدار باشد...». (17)

اگر چه آزمایش های دینی برای همه ایمان آورندگان، در همه زمان ها، قانونی الهی است، اما در عصر غیبت، تمامی عوامل دست به دست هم داده، این آزمایش را به کمال خود رسانده است. در این دوران است که نگه داشتن دین، بسیار دشوار است و بیشتر مردم، به انگیزه های گوناگون، ایمان دینی خویش را در زندگی از دست می دهند و دین را کنار می گذارند.

گسترش زمینه های ناباوری، افزایش انگیزه های انحراف و گریز از دین و ستیزه جویی های دشمنان با دین دارای، از مهم ترین عوامل این آزمایش است.

آنان که در این گرداب های ترسناک، دین خود را حفظ می کنند، از شأن و رتبه ای بس رفیع برخوردار خواهند بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! بزرگ ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در واپسین روزگار می زیند؛ پیامبرشان را مشاهده نکرده، امامشان پنهان است؛ پس به سبب خواندن خطی بر روی کاغذ، ایمان می آورند». (18)

انسان این دوران، بر خلاف انسان معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله، از تمامی دریافت های حسی به دور است و تنها بر اساس درک عقلی و تاریخی، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را می شناسد و به رسالت و امامت آنان ایمان می آورد.

امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «به درستی که مردمان زمان غیبت مهدی علیه السلام که امامتش را باور دارند و منتظر ظهور اویند، از مردمان همه زمان ها برترند؛ زیرا چنان عقل ها، فهم ها و شناخت آنان قوت بخشیده شده که غیبت نزد آنان، همچون دیدن باشد. . . آنان به حق، اخلاص ورزانند». (19)

موفقیت در این آزمایش، نیازمند بینشی است که انسان دین دار، در پرتو آن بتواند در برابر تحریف ها، شبهه ها و تردیدها، دین خود را حفظ کند و با هیچ یک از عوامل انحراف، خلوص دینی و دین داری را در فکر و عمل، از دست ندهد که اگر چنین شد، مصداق این سخن رسول گرامی اسلام خواهد بود که می فرماید: «به زودی پس از شما کسانی می آیند که یک نفر آنان، پاداش پنجاه نفر از شما را دارد». گفتند ای رسول خدا! ما در جنگ بدر، احد و حنین، در رکاب شما جهاد کردیم و درباره ما آیه قرآن نازل شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر آن چه از آزارها و رنج ها که بر آنان می رسد، بر شما آید، بسان آنان شکیبایی نخواهید داشت». (20)

پایداری بر دین در روزگار غیبت، به تحمل سختی ها، ترس ها، محرومیت ها و تنگناهای مادی خلاصه نمی شود؛ بلکه تحمل فشارهای سخت روحی و معنوی نیز، بر آنها افزوده می گردد و اگر دین داری با صبر و شکیبایی درست و آگاهانه توأم نباشد، به تدریج، ناامیدی ها روی می آورد و باور را از روح و فکر می زداید.

پی نوشت ها :

1. ذاریات، آیه 56.
2. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 57، ص 229.
3. همان، ج 52، ص 307.
4. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، دارالکتب الاسلامیه، ج 2، ص 409.
5. غیبت نعمانی، دارالکتب الاسلامیه، ص 331.
6. کلینی، کافی، دارالکتب الاسلامیه، ج 1، ص 371.

7. همان، ج 1، ص 337؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 342.
8. ر. ک: کمال الدین، ج 2، ص 512.
9. نساء، آیه 59.
10. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص 456؛ کمال الدین، ج 1، ص 286.
11. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص 640.
12. همان.
13. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص 264.
14. کمال الدین و تمام النعمه، ص 644.
15. غیبت نعمانی، ص 200.
16. همان، ص 245.
17. کافی، ج 1، ص 335.
18. غیبت نعمانی، ج 1، ص 288.
19. همان، ج 1، ص 319.
20. کتاب الغیبة، ص 456.